

چکیده:

مجازات اعدام به عنوان سنگینترین نوع از انواع مجازاتها در نظامهای حقوقی و کیفری مطرح است و در حال حاضر نیز مورد مخالفت شدید بسیاری از محافل حقوقی و نهادهای بین المللی قرار گرفته است و لغو اجرای این مجازات از سوی کشورهای مختلف روند فزایندهای داشته است. در این پژوهش ضمن پرداختن به تاریخچه مجازات اعدام در بین ملتها و اقوام و ادیان مختلف مبانی این مجازات در نظام حقوقی ایران که دارای پشتوانه و تکیه‌گاه دینی و فقهی میباشد مورد بررسی قرار گرفته است. این مجازات در اکثر ادیان و مذاهب به عنوان یک حکم شرعی به رسمیت شناخته شده است و از مبانی فلسفی و نظری معتبر و معتناهی برخوردار است، ولی در حال حاضر به دلیل تأسیس برخی مکاتب نوپیدای بشری و مادی نسبت به این مجازات ایرادات عدیده‌ای وارد شده است و اجرای آن متوقف گردیده است که در این پژوهش با پایبندی به مبانی نظری و عملی مبتنی بر فقه اسلامی دلایل مخالفین و موافقین مجازات اعدام مورد بررسی قرار گرفته است و سپس نتایجی نسبت به روند اجرای مجازات اعدام حاصل شده است.

واژگان کلیدی: حقوق جزا، جرم، مجازات، اعدام، فلسفه مجازات، مکاتب حقوقی، مبانی

نظری

بیان مسئله:

از جمله مسایلی که بعد از انقلاب اسلامی ایران موضوعی مهم و نیازمند تحقیق و پژوهش است بحث تفکر دینی و ورود فقه و مباحث فقهی از عرصه نظری به عرصه عملی و حکومتی است. با توجه به حساسیت امر و تاثیر گذار بودن مباحث مجازات به ویژه مجازات اعدام که مورد مخالفت شدید سازمان های بین المللی و حامی حقوق بشر واقع و در بسیاری از کشورها نیز این مجازات لغو شده است این مسئله مطرح است که روند مجازات اعدام باید چه سمت و سویی پیدا کند و چگونه میتوان برای ادامه ی آن در مجامع بین المللی با استناد به منابع دینی و حقوقی این مجازات را توجیه و برای همگان مورد قبول واقع و برای اعمال آن مشروعیتی عام و همه جانبه ایجاد کرد.

پرسشهای اصلی تحقیق

دلایل موافقین و مخالفین مجازات اعدام چیست؟

مبانی نظری و فقهی مجازات اعدام کدام است؟

دیدگاه مکاتب حقوقی در مورد مجازات اعدام چیست؟

فرضیه تحقیق:

فرضیهایی که در این پژوهش مطرح است عبارت است از اینکه مخالفین و موافقین مجازات اعدام هر کدام تفصیلاً دارای ادلهای مختص به خود میباشند و این مجازات به عنوان یک حکم شرعی در ادیان الهی به رسمیت شناخته شده است و مکاتب مختلف حقوق جزا برای لغو مجازات اعدام استدلالهای خاص خود را دارند و موافقین مجازات هم برای ادامه اجرای مجازات اعدام استدلالهای خاص به خود دارند.

اهداف تحقیق

بررسی مبانی نظر و عملی مجازات اعدام و پاسخگویی به شبهات موجود نسبت به اجرای مجازات اعدام از اهداف این پژوهش است. از دیگر اهداف این پژوهش بررسی و پرداختن به ادله موافقین و مخالفین این مجازات است. همچنین بررسی نظریات مکاتب حقوقی که در این زمینه وجود دارد و تلفیق این مباحث بامبانی فقهی و دینی از اهداف این پژوهش می‌باشد.

ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه مجازات اعدام در حال حاضر با مخالفت شدید اکثر مجامع بین المللی و نهادهای حقوقی روبرو شده است و در اکثر کشورها نیز این مجازات ملغی اعلام گردیده است متعاقباً باعث ایراد حجمها و حملههای مختلف به دین مبین اسلام و همچنین نظام حقوقی ایران گردیده است با این وصف ضرورت ایجاب میکند که این مجازات به صورت کاملاً تخصصی و به صورت جامع با ذکر مبانی و منابع معتبر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و توجیهاات فقهی و حقوقی و دینی مستدل نسبت به پذیرش و روند اجرای این مجازات بیان گردد.

سازمان دهی تحقیق

این پژوهش در سه فصل تنظیم شده است که در فصل اول به مفاهیم و تاریخچه مجازات اعدام پرداخته شده است و سابقه این مجازات در ادیان و اقوام مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم دیدگاه مکاتب حقوق جزا در مورد مجازات اعدام مورد تبیین و بررسی قرار میگیرد و اسناد بین المللی و منطقهای مرتبط با این مجازات به تفصیل ذکر میگردد. و در فصل سوم مبانی نظری و عملی مجازات اعدام و همچنین فلسفه مجازات در اسلام و اصول حاکم بر آن بیان شده است و نهایتاً ادله موافقین و مخالفین مجازات اعدام ذکر گردیده و این دلایل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در مورد مجازات اعدام سابق بر این پژوهش تحقیقاتی صورت گرفته است از جمله این تحقیقات کتاب بررسی تطبیقی مجازات اعدام تألیف دکتر ابراهیم شمس ناتری و کتاب مجازات اعدام تألیف دکتر شمس الدین امیر علایی میباشد. همچنین اثر مارک آنسل تحت عنوان مجازات اعدام ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی صورت گرفته و کتاب فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام اثر استاد دکتر قدرت اله خسرو شاهی از دیگر منابع موجود و تحقیقات میباشد.

روش تحقیق

روش تحقیق و مطالعه در این پژوهش روش تحلیلی و توصیفی میباشد و مطالب از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و فیش برداری از منابع فارسی و عربی گردآوری شده است.

فصل اول:

کلیات

مبحث اول: مفاهیم

گفتار اول: جرم

الف- مفهوم لغوی جرم

جرم در لغت به معنای گناه، خطا و بزه به کار می رود، در معنای گناه نیز به کار بد، بزه، عمل زشت، نافرمانی، معصیت و جرم اشاره شده است. در فرهنگ دهخدا جرم به معنی گناه و تعدی آمده است.[□]

اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استعاره شده است و به معنی وادار کردن به کار ناپسند نیز اطلاق شده است.[□]

ب- مفهوم اصطلاحی جرم:

کنش های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی تعیین شده باشد جرم نام دارد و از نظر جامعه شناسان جرم عملی است مخالف منافع انسانی جامعه، اعم از این که مورد عنایت قانون گذار قرار گرفته یا نگرفته باشد.[□]

دورکیم جامعه شناس مشهور فرانسه درباره جرم چنین می گوید: «ما می توانیم وجود یک سلسله از عملیات را اثبات کنیم که اجتماع علیه آن ها واکنشی به صورت مجازات نشان می دهد از این سلسله عملیات گروهی می توان چیزی درست کرد و به آن تعریف مشترکی بنام جرم داد»[□]

[□] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ و جلد ۵

[□] المفردات فی غریب القرآن در ماده جرم

[□] باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۷، جلد یک ص ۱۲۵

[□] فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، انتشارات وزارت ارشاد، تهران، چاپ ششم ۱۳۸۱ ص ۶۴

ج- مفهوم جرم از نظر فقها

جرم انگاری در هر نظام کیفری ریشه در ارزش های پذیرفته شده آن مکتب دارد و به همین دلیل نظام کیفری در هر جامعه نشان دهنده ارزش های مورد تأیید آن جامعه است. اسلام نیز با توجه به ارزش های واقعی در زندگی انسان کلیه اعمالی را که به نوعی ارزش های اساسی مربوط به زندگی فردی و اجتماعی را مورد تهدید قرار می دهد جرم دانسته و به تناسب اهمیت آن ارزش ها برای جرایم، مجازات مقرر نموده است. جرم از دیدگاه اسلام هر فعل یا ترک فعلی است که با مصالح و مفاسد واقعی انسان اعم از مادی و معنوی و دنیوی و اخروی ارتباط پیدا می کند.^{۱۲۴}

از نظر فقها و یا به تعبیر دیگر دیدگاه اسلام، افعالی جرم تلقی می شود که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند این افعال در قرآن کریم با نام های مختلف از قبیل سوء، اثم، جناح و.... مذکور است. جناح (گناه) که موضوع حدود و تعزیرات اسلامی است، شامل هر فعلی ولو آنکه تنها جنبه شخصی داشته باشد یعنی مفسده ی آن عاید خود مرتکب گردد نیز می شود مانند: شرب خمر، کذب، ترک واجبات و غیره، تعریف جرم، تعریف عام است که می توان آن را برائت و معصیت و خطیئه نیز تسری داد و در این تعریف، همه دارای یک ماهیت هستند و عبارتند از: نافرمانی خدای تعالی و سرپیچی از اوامرو نواهی او که به دنبال آن استحقاق مجازات وجود دارد.^{۱۲۵}

^{۱۲۴}. فیض، علی رضا، منبع پیشین، ص ۱۲۴

^{۱۲۵}. فیض علی رضا، ص ۷۲

د) مفهوم جرم از دیدگاه حقوقدانان

علمای حقوق کیفری هریک، جرم را به گونه ای تعریف کرده اند، هریک از این تعاریف اغلب از گرایش های نظری مکتب های خاصی ملهم بوده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق جرم را «هر عمل مغایر اخلاق و عدالت، تعریف کرده است یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیان گذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارت است از: «تعرض به احساس اخلاق بشر که شفقت و درستکاری را شامل می شود» یا به تعبیری دیگر «جرم عبارت است از عملی که خلاف نوعی از احساسات شرافتمندانه و خدایسندانه انجام شود»[□]

در تعریف دیگری از حقوقدانان فرانسه، علاوه به عنصر قانونی و مادی جرم، عنصر روانی نیز در تعریف منظور شده است طبق این تعریف جرم عبارت است از تجلی خطاکارانه ی اراده مشخص برخلاف حق که قانون برای آن کیفر تعیین کرده است. کارا در تعریف جرم می گوید: «جرم تجاوز از حدود قوانین کشور است که به وسیله کسی انجام شود به شرطی که شخص مرتکب، مکلف یا مجاز به انجام تجاوز نباشد در ضمن برای آن تجاوز، مجازات تعیین شده باشد»[□]

دقیق ترین و ساده ترین تعریف از جرم این است که جرم چیزی است که قانون جزا آن را منع کرده است، یعنی فعل یا ترک فعلی که در قانون قابل مجازات است. ماده ۲ ق. م مصوب سال ۱۳۷۰ در مورد تعریف جرم به ضمانت اجرای کیفری مجازات های مقرر در ماده ۱۲ قانون مزبور اکتفا نموده و مقرر می دارد «هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم محسوب می شود»

□. فیض، علیرضا، منبع پیشین، ص ۶۵

□. فیض، علیرضا، همان، ص ۶۶

گفتار دوم: مجازات و انواع آن

الف) مفهوم لغوی مجازات

اهل لغت مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی نموده اند.^۱

ب) مفهوم اصطلاحی و حقوقی مجازات:

حقوقدانان مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می کند را مجازات یا کیفر نامیده اند.^۲

آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی در تعریف مجازات می نویسد: « مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می شود مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که نقش حقیقی مجازات می باشد.^۳

مفهوم مجازات از دیدگاه فلاسفه:

از نظر فلاسفه مجازات مشقتی است که جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه و اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می کند.^۴

فلسفه تشریح مجازات در مکتب اسلام همچون سایر ادیان الهی موجب تهذیب نفوس و تربیت افراد بیان شده است.^۵

^۱ دهخدا، علی اکبر لغت نامه جلد ۴۳ چاپ سیروس، تهران ۱۳۳۸ ص ۴۲۲

^۲ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۳ شماره ۴۸۶۲ ص ۶۱

^۳ علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، جلد دوم: چاپخانه بانک ملی ایران، تهران ۱۳۵۲ ص ۱

^۴ سمیعی، حسین، حقوق جزا، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۲۵ ص ۱۲۴

^۵ الصابونی، محمد علی، روائع البیان، تفسیر آیات الاحکام من القرآن، لبنان، بیروت ۱۹۸۶ ص ۱۸

براساس تئوری استدلالی بتنام، چنانچه رنج ناشی از تحمل مجازات از لذات تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد، مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم خودداری می کنند[□] در نتیجه این امر در خصوص کسانی که زمینه های ارتکاب جرم در آنها فراهم است و ممکن است بر اثر وقوع حادثه ای به سوی بزهکاری کشیده شوند رعب وحشتی ایجاد می کند و مانع ارتکاب جرم شده و ممکن است آن ها را از مهلکه تبهکاری نجات دهد از دیگر اهداف دیرینه تاریخی مجازات می توان تلافی و قصاص را ذکر کرد به موجب این هدف تقصیر و سوء نیت شخص در ارتکاب جرم همیشه مفروض و مسلم بوده و عدم مکافات سوء نیت و پرورش ظالم تلقی می شود. بنابراین برداشت، مکافات صرف نظر از اینکه موجب اصلاح حال مجرم می شود اخلاقاً نیز ضرورت داشته و باید اجرا شود. اما با پیدایش افکار جدید و نهضت های اجتماعی در قرون هفده و هیجده میلادی مبنی بر حفظ حقوق و آزادی های فردی و لزوم احترام به شخصیت والای انسانی مجازات ها کم کم نقش ارعابی خود را از دست دادند وعده بسیاری از فلاسفه و متفکرین مروج این عقیده شدند که باید زندان و مجازات های مختلف را وسیله ای قرار داد که ضمن آن بتوان مجرمین را نسبت به بدی اعمال خود مطلع نموده و آنان را مجدداً اصلاح و تربیت نمود.

زیرا اگر مقصود کیفر، شکنجه بزهکار نباشد، پس هدفی عالی تر از اصلاح حال او نمی تواند داشته باشد به گونه ای که مهمترین کاربرد کیفر این است که مجرم را دوباره به جامعه بازگرداند تا بتواند از طریق کار و فعالیت مشروع زندگی خود را تامین نماید.

د) انواع مجازات

در قانون مجازات عمومی سابق قانونگذار در ماده ۷ جرم را از لحاظ شدت و ضعف به سه دسته تقسیم می کرد: ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف[□] و برای هر یک از جرایم مورد اشاره در مواد ۸ الی ۱۲ قانون مذکور

[□] صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی جلد دوم انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران ۱۳۵۴ ص ۱۶۸

[□] ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۷ (سابق): جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱- جنایت، ۲- جنحه، ۳- خلاف

مجازات هایی را تعیین کرد^۱. اما قانون گذار در سال ۱۳۶۱ در قانون راجع به مجازات اسلامی در ماده ۷ قانون مذکور از حالت سابق عدول کرده و مجازات ها را حسب نوع جرائم به چهار دسته، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات تقسیم کرد و محوریت را از جرم محوری به مجازات محوری تغییر داد و از ماده ۸ تا ۱۱ به تعریف هریک از این چهار مجازات پرداخت و در سال ۱۳۷۰ در اصلاح و بازنگری که در قانون مجازات اسلامی صورت گرفت در ماده ۱۲ مجازاتهای بازدارنده نیز به چهار مجازات قبلی اضافه شد.

۱) حدود: "حدود جمع حد است. حد در لغت به معنای حایل میان دو چیز و کنایه از انتها یا کرانه یا مرز شیء است و در لغت عرب به م عننی منع و جلوگیری کردن نیز آمده است"^۲. قانون گذار در ماده ۱۳ ق.م.ا حدود را چنین تعریف کرده است «حد، به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است» یعنی مثلاً در خصوص جرم زنا شارع به شکل دقیق تعیین کرده که چه عملی زنا است و چه انواعی دارد و مجازات آن چیست و به طور کل شارع به شکل دقیق تبیین کرده و مجازات و واکنش آن را نیز گفته است. (جرایم مذکور در کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مواد ۶۳ الی ۲۰۳) یکی از حقوقدانان معاصر به این تعریف ایراد وارد کرده و چنین بیان می کنند "این تعریف، تعریف جامع و مانعی نیست و برای قصاص و دیه هم قابل اعمال است زیرا نوع و میزان و کیفیت آنها هم مشخص است"^۳ که البته به نظر ایرادی بجا است. آقای دکتر اردبیلی در خصوص حد چنین بیان میکنند "حد کیفر هایی بیشتر بدنی است که از پیش اندازه و مقدار آن تعیین شده است و قاضی در کم و زیاد و تبدیل و اسقاط آن اختیاری از خود ندارد."^۴ در قرآن کریم برای چهار جرم مجازات حد معین

^۱ ماده ۸ - مجازات های اصلی جنایت به قرار زیر است: ۱- اعدام. ۲- حبس دائم. ۳- حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۵ سال. ۴- حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال

^۲ اردبیلی، محمد علی - حقوق جزای عمومی - جلد دوم - انتشارات میزان - چاپ یازدهم پاییز ۱۳۸۵ ص ۱۵۱

^۳ گلدوزیان، ایرج - محشای قانون مجازات اسلامی - انتشارات مجد - چاپ ششم آبان ماه ۱۳۸۴ ص ۲۴

^۴ اردبیلی، محمد علی - حقوق جزای عمومی - جلد دوم - انتشارات میزان - چاپ یازدهم پاییز ۱۳۸۵ ص ۱۵۲

شده ۱_سرقه (سوره مائده آیه ۳۷) ۲_محرابه (سوره مائده آیه ۳۳) ۳_زنا (سوره نور آیه ۲) ۴_قذف (سوره نور آیه ۳) □

۲) **قصاص:** قصاص "از ریشه «قص» به معنای از پی رفتن و دنبال کردن" □ آمده است و " در اصطلاح یعنی در پی کسی رفتن و پا در جای پای او گذاشتن و منظور پدید آوردن آنچه او کرده است یعنی استیفاء اثر جنایت" □ در ماده ۱۴ ق.م.ا قصاص چنین تعریف شده است «قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد» □، مستند شرعی قصاص را این آیه از قرآن بیان کرده اند "ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب" □

۳) **سوم دیات:** "دیات جمع دیه است که در فارسی آن را خون بها می گویند" □ قانون گذار در ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی دیه را اینگونه تعریف کرده است «دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است» برخی دیه را در ماهیت دین می دانند که با قبول این نظر با فوت محکوم علیه ساقط نمی شود و از ورثه و یا از دارایی او استیفاء می شود. □

۴) **تعزیرات:** "تعزیرات جمع تعزیر و در کتابهای لغت به معنی تعظیم و مفهوم تأدیب نیز آمده است. تنبیه کمتر از حد را هم تعزیر می گویند. □" قانون گذار در ماده ۱۶ ق.م.ا تعزیر را اینگونه تعریف کرده است "تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد" □ اطلاق این تعریف مغایر با اصل قانونی بودن مجازات ها دارد □ چرا که وقتی قانون گذار در این ماده بیان می کند کند که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به حاکم واگ ذار شده دست قاضی را برای تعیین هر

□ شامیاتی، هوشنگ_ حقوق جزای عمومی _جلد دوم_ انتشارات پازنگ_ بهار ۱۳۷۲ ص ۲۷۳ و همچنین برای دیدن متن آیات ر.ک به منبع مذکور

□ نوربها، رضا_ زمینه حقوق جزای عمومی _ انتشارات کتابخانه گنج دانش_ چاپ بیستم ۱۳۸۶- ص ۳۶۴

□ اردبیلی، محمد علی، همان، ص ۱۵۲

□ گلدوزیان، ایرج- همان ص ۲۵

□ اردبیلی، محمد علی، همان ص ۱۵۱

□ گلدوزیان، ایرج، همان ص ۲۶

□ اردبیلی، محمد علی، منبع پیشین، ص ۱۵۳

□ اردبیلی، محمد علی همان ص ۱۵۳

مجازات‌های باز می‌گذارد و این امر به نظر بنده با اصل قانونی بودن که بیان می‌کند هر مجازاتی باید به موجب قانون باشد مغایرت دارد چرا که اینجا قانون‌گذار مقدار را تعیین نکرده و به حاکم (شاید بتوان همان قاضی را گفت[□]) واگذار کرده است که این درست به نظر نمی‌رسد. یکی از حقوقدانان در خصوص تعزیرات چنین نظر داده است "بعضی از جرائم و تخلفات هستند که خلاف اسلام بوده لیکن چون دارای اهمیت کمتری است و صدمه زیادی به افراد نمی‌زند، لذا حکم بخصوصی برای آنها در نظر گرفته نشده و مجازات آن به اختیار امام واگذار شده که به نحو مقتضی مجرم و متخلف را به کیفر اعمال خود برساند. این مجازات برحسب مورد و با توجه به عمل ارتكابی و شرایط مرتکب آن تغییر کرده و اصطلاحاً به آن «تعزیر» می‌گویند."[□] البته از تعزیرات در تبصره ۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ تعریفی بدین گونه بیان شده است «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک فعل واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می‌باشد» که همان ایراد در خصوص ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص مغایرت با اصل قانونی بودن در اینجا نیز وجود دارد.

۵) **مجازات‌های بازدارنده**: مجازات‌های بازدارنده در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی چنین تعریف شده است «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقای معین و مانند آن».

□ . گلدوزیان، منبع پیشین ص ۲۶

□ . شامبیاتی، هوشنگ، منبع پیشین، ص ۲۸۶

گفتار سوم: اعدام

الف) مفهوم لغوی اعدام

اعدام در لغت از ماده عدم به معنای نیستی و نقطه مقابل وجود است که به باب افعال برده شده و مفهوم تعدی از آن فهمیده می شود. بنابراین اعدام در لغت یعنی نیست و نابود کردن^{۱۴}.

ب) مفهوم حقوقی اعدام

عبارتست از شدیدترین نوع مجازات که توسط قانونگذار وضع و مقرر گردیده و به موجب آن حیات مجرم ببطور کلی سلب گردیده و از ادامه زندگی محروم می شود.

^{۱۴}. دهخدا، علی اکبر، منبع پشین، ص ۹۷.

مبحث دوم: تاریخچه مجازات اعدام

گفتار اول: مجازات اعدام در تمدنهای قدیم

الف) مجازات اعدام در دوران باستان

در اصل تاریخ این مجازات، مصادف است با پیدایش کوچکترین و ابتدایی‌ترین جوامع انسانی، به گونه‌ایکه در این جوامع، پاسخی به نقض یک قاعده مذهبی، اخلاقی و یا تخطی از یک عمل منع شده توسط گروه اجتماعی پنداشته می‌شد. انتقام، اساس مجازاتها بود و عکس العمل در قبال پدیده مجرمانه به شکل انتقام فردی و گروهی تجلی پیدا می‌کرد، یعنی نه تنها قربانی جرم و خانواده او، بلکه خویشاوندان نزدیک و قبیله قربانی جرم نیز مکلف به گرفتن انتقام بودند، وظیفه‌ای حتمی و سنگین که هیچ چیز، حتی مرور زمان، تأثیری در اجرای آن نداشت، و اعضاء قبیله، ناظر بودند تا انتقام گیرنده، در تکلیف خود کوتاهی نکند، تجاوز ممکن بود با چندین برابر پاسخ داده شود و هیچ کدام از اعضای قبیله جانی، از هر سن و جنس، از تعرض در امان نبودند.

در این جوامع، واکنش علیه جرم، سریع، مختصر و خشن بود، این واکنش در قالب انتقام شخصی، قربانی کردن یا قانون قصاص (چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان و) ظاهر می‌شد و بیانگر انعکاس دفاعی گروه بود، که برای تأمین ادامه زیست و تعالی از ارزشهای خود، حمایت می‌کرد.^{۱۰}

انتقام خصوصی ولو ابتدایی و وحشیانه، تضمینی بود برای حفظ نظم و روابط بین قبایل، زیرا ترس از انتقام سبب محترم نشمردن اخلاق، اعتقادات و حقوق دیگران می‌شد.

بنابراین مسؤلیت جزایی از ابتدا جمعی بود و ارباب، عبرت‌انگیزی و طرد در ردیف اول

اهداف مجازات قرار داشتند و به نظر می‌رسد که از نظر تاریخی همواره این سه هدف وجود داشته و تنها مقدار و کیفیت آن در دوره‌های مختلف متغیر بوده است.

^{۱۰} - ژرژ پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج اول، ص ۲۴.

مجازات اعدام در این دوران اساس انتقام فردی بود و تمامی تمدنهای باستانی آن را اعمال می‌کرده‌اند. برای بسیاری از جرایم مانند: جادوگری، زنا، محصنه، همجنس‌بازی، زنا با محارم، تجاوز به عنف، بت‌پرستی، توهین به پروردگار، تجاوز و سرپیچی از فرمان پادشاه مجازات مرگ اعمال می‌شده است. مذهب از اعتبار خاصی برخوردار بود و ارتکاب جرم نسبت به مذهب، مجازات مرگ را در پی داشت، این مجازاتها معمولاً به منظور فروکش کردن خشم خدایان برپا می‌شده است.

چگونگی اجرای مجازات اعدام متفاوت بود و معمولاً به نوع جرم ارتكابی بستگی داشت، ولی شیوه‌های معمول عبارت بودند از: سوزاندن، شقه کردن، پرت کردن از کوه یا بلندی، غرق کردن در آب، سنگسار کردن، خفه کردن با طناب، قطع سر، له کردن، زنده به گور کردن، در روغن داغ انداختن، انداختن در قفس حیوانات وحشی، کشتن با سم و شیوه‌های دیگر.

بررسی نقاشی‌های دیواری کشف شده در غارها، اسناد و نمایشنامه‌های مربوط به مصر و فرانسه ما قبل تاریخ، این تصور را به ذهن متبادر می‌کند که اعدام‌ها در جوامع ابتدایی، به کمک تبر، دار و کمان انجام می‌شده است، در کنسوس (Cnossos) واقع در جزیره کرت، سلولهایی کشف شده که به نظر می‌رسد برای دربند کردن زندانیانی که باید اعدام می‌شده‌اند، اختصاص داشته است.[□]

اعراب وحشی شخصاً از قبایل انتقام می‌گرفتند و انتقام‌جویی به نفع رؤسای قبایل در میان آنها، اهمیت خاصی داشت؛ رئیس قبیله مجاز به هر کاری بود و هیچ‌گاه محکوم به مجازات اعدام نمی‌شد.

قبیله کوران، آدم‌کش را اعدام می‌کردند، اما محکوم می‌توانست با پول جرم خود را خریداری کند. استرالیاییها نیز حس انتقام شدیدی داشتند و به اولین فردی که از قبیله قاتل برخوردار می‌کردند او را به قتل می‌رساندند.[□]

ب) مجازات اعدام در مصر قدیم:

حکام مصر قدیم در احکام خود، در موارد زیر حکم اعدام صادر می‌کردند:

□ - مارسل نورمان «مجازات مرگ»، ترجمه ابو الحسن سرو قد مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ج اول، ۱۳۷۳، ص ۲۱.

□ - مارک آنسل، «مجازات اعدام»، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات آگاه، ج دوم، تهران، ۲۵۳۶، ص ۱۷۶.

۱- کسی که سوگند دروغ بخورد؛ برای اینکه او در حق پروردگار و دولت مرتکب گناه شده است.

۲- کسی که با تصمیم قبلی نفسی را بکشد.

۳- کسی که شخصی را در حال مرگ ببیند و قادر به کمک باشد، ولی او را نجات ندهد.

۴- توطئه و خیانت علیه دولت.

۵- اهانت به خدایان.

شکل اجرای مجازات اعدام نیز متفاوت بوده و معمولاً به شیوه‌های زیر اجرایی می‌شده است: سر بریدن، دار زدن، خفه کردن، به چهار میخ کشیدن و زنده زنده مومیایی کردن.

سخت‌ترین نوع شکنجه، آن بود که گناهکار را زنده زنده مومیایی می‌کردند، یا بدن او را با قشری از «نترون سوزاننده» می‌پوشانند، تا تن او را کم کم بخورد و از پا درآورد. اگر تبهکاران از طبقات بالا بودند و از اعدام در برابر مردم ننگ داشتند، به آنها اجازه داده می‌شد که خودکشی کنند.^۴

در مصر قدیم افراد حق داشتند قبل از آنکه، جسد را در کفن یا تابوت قرار دهند، علیه او اقامه دعوی کنند، اگر ثابت می‌شد که او جرم مهمی مرتکب شده است از تشریفات مخصوص محروم می‌شد. قوانین کیفری در مصر باستان، تقریباً مدون و پیشرفته بود و اصل تساوی افراد در برابر قانون به شرط آنکه دارای موقعیت اجتماعی و خانوادگی یکسان باشند، رعایت می‌شد. محاکم به محلی و عالی تقسیم می‌شدند. شاه، بالاترین مرجع قضایی بود که افراد در صورت پرداخت هزینه گزاف دادرسی می‌توانستند شکایت خود را نزد شخص وی مطرح کنند، بعد از شاه، رئیس اداری مملکت مهم‌ترین مقام قضائی بود که علاوه بر رئیس الوزرائی، ریاست دادگستری را نیز بر عهده داشت.

ج) مجازات اعدام در روم قدیم

در روم قدیم مجازات‌ها، بسیار سنگین و وحشیانه بود، نه تنها انسانها، بلکه حیوانات را نیز محکوم به اعدام می‌کردند و برای مرده‌ها نیز مجازات‌هایی در نظر گرفته بودند. «تا رکن یکی از سرداران روم دستور

^۴- حجتی کرمانی، علی سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، مؤسسه انتشارات مشعل دانشجو، تهران، چ اول، ۱۳۶۹، ص ۳۶.

داده بود که جنازه کسانی که برای فرار از کارهای طاقت‌فرسای ساختمان فاضلاب شهری خودکشی می‌کنند، به صلیب آویخته شود و سپس جسد آنان، طعمه حیوانات درنده و وحشی گردد؛ این عادت وحشیانه مدت‌ها ادامه داشت؛ تا اینکه سیسرون آن را لغو نمود. [□]

«در دوره جمهوری هر آزاده‌ای که به مرگ محکوم می‌گردید، می‌توانست با رفتن به رم یا ایتالیا از مجازات برهد. در دوره امپراطوری حکم مجازات مرگ با وفور و بی‌رحمی روز افزون صادر می‌شد، اسیران جنگی در برخی از موارد سایر محکومین را ممکن بود در «کارکرتو لیانوم» (چاه عمیق) بیندازد تا از گرسنگی و مزاحمت جوندگان و شپش در ظلمت زیر زمین و لوث و نجاست پاک نشدنی جان بدهند؛ یوگورتا و شمعون قهرمانان دفاع از اورشلیم در برابر تیتوس در آنجا مردند. [□]

قساوت، خونریزی و تجاوز در رم باستان به حدی بود که قلم از ذکر آن عاجز است، ولی در شرح پاره‌ای از آن تجاوزات همین بس که اسکلت صدها هزار نفر از عیسویان رومی در سیاه چالها بر روی هم انباشته شد و صدها هزار برده بی‌پناه برای لذت و تفریح دیگران در جنگ با حیوانات درنده جان باختند. میدان نمایش که «کلیستو» نامیده می‌شد، ظرفیت گنجایش ۵۰ تا ۷۰ هزار تماشاگر را دارا بود. اسیران جنگی، مجرمان و گناهکارانی که محکومیتشان قطعی شده بود، مجبور به گلاادیاتوری می‌شدند. کسانی که جرائم زیر را مرتکب می‌شدند محکوم به گلاادیاتوری بودند:

سرقت، قتل نفس، کفر، عصیان و خیانت، آتش زدن اموال، توطئه علیه پادشاه، کمک به برده‌فراری و قتل ارباب توسط غلام (که در این مورد تمامی بردگان مقتول در عوض کشته می‌شدند). علاوه بر گلاادیاتوری مجازات اعدام به شیوه‌های دیگر معمول در دوران قدیم نیز اجرا می‌شده است: از قبیل سوزاندن، خفه کردن، گردن زدن، مثله کردن، نشانیدن روی صندلی آتشین، شکم دریدن و مانند اینها.

[□] - محسنی، مرتضی مسئولیت کیفری، مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۱۱ و ۱۲، خرداد ۲۵۳۹، ص ۹.

[□] - ویل دورانت: تاریخ تمدن، تهران، سازمان انتشارات اسلامی، جلد ۳، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۴۷۵.

«آتالوس» یکی از رهبران مسیحیت را با نشانیدن روی صندلی آهنی که با آتش سرخ شده بود به قتل رساندند. «بلاندینا» کنیز جوان را به جرم مسیحی بودن، در تور ماهیگیری گذاشتند جلوی گاوهای وحشی انداختند، تا به ضرب شاخ گاوها تکه تکه شد.

«پرپدتوا» مادر جوان را به همراه کنیزی جلوی گاوهای وحشی انداختند.

۲۵۰ اسقف روم و تولوز را به دار آویختند، صدها نفر را سر بریدند، و هزاران نفر را در آتش سوزاندند.[□]

این اعمال در این زمان ادامه داشت و تا زمان ژوستینین مجازات دوگانه بود، یعنی هم انتقام فردی وجود داشت و هم اجتماع مجازات می نمود. «به موجب فرمان ژوستینین کلیه مجازاتها مستقیماً توسط حکام اعمال می شد، البته در اجرای اعدام نجیب زادگان و روستاییان تفاوت وجود داشت؛ شهرنشینی رومی را سر می بریدند، ولی دیگران را نزد حیوانات می انداختند. در حقوق ژرمانتیک، مجنی علیه، در جرائم مشهوده و منافی عفت و بسیاری جرائم دیگر حق داشت شخصاً مرتکب را بکشد.»[□]

بالاخره مردم از این وضع بستوه آمدند، و به دنبال فشار مردم، مجلس سنا، ده نفر را که به قضات عشراً معروف شدند، جهت انشاء قوانین انتخاب کرد، رومی ها این قوانین را حفظ کرده و روی دوازه میز مفرغ حک کردند، که بعداً به الواح دوازده گانه معروف شد، در این قوانین مجازاتهای سنگینی برای مجرمین در نظر گرفته شد. هریک از الواح شامل ۳ تا ۲۴ ماده بود و موضوعات مختلفی را در بر می گرفت؛ در یکی از این الواح آمده است: «... اگر مقروض نتواند دین خود را ادا کند، این حق را دارد او را به قتل برساند ... هر گاه تعداد طلبکاران از یک نفر تجاوز کند، می تواند پس از گذشت ۶۰ روز بدن مقروض را قطعه قطعه کند.

کسی که عمداً و از روی شرارت، عمارت یا خرمن مجاور خانه ای را آتش زند، باید بازوانش را بسته، چوبش زند و سپس او را بسوزانند...»

[□] - حجتی کرمانی علی، منبع پیشین، ص ۲۱۳-۲۱۲.

[□] - نوری، رضا علم مجازات، مهنامه قضائی، ش ۱۱۰، اردیبهشت ۱۳۵۴، ص ۶۰.

در قانون معروف به «لکس کوریلنا» که بعد از الواح دوازده‌گانه تدوین شد، پیش بینی شده بود که اگر قاتل از طبقه اشراف یا دارای مشاغل عالی بود، به تبعید محکوم گردد.

«لوسیوس آنائه اوس سنکا»، بزرگترین فیلسوف روم که در سال چهارم میلادی متولد شد، به علت نوشتن رساله‌ای درباره تسلیت به دختر یکی از خائنین به امپراتور محکوم به اعدام شد، ولی با وساطت بزرگان از مرگ رهایی یافت و به جزیره کورس تبعید شد، مدت هشت سال در تبعید بود، در سال ۴۸ میلادی «اگری پینا» مادر نرون به دنبال معلمی شایسته برای پسرش نرون بود، به همین جهت وی را از تبعید فراخواند تا امپراتور جوان را تربیت نماید، او بعد از اینکه از تبعید فراخوانده شد هفده سال تمام خدمت کرد و آنچه در چنته داشت مایه گذاشت، اما سرانجام متهم به همکاری با توطئه‌گران شد و امپراتور برایش پیغام فرستاد که به زندگی خود خاتمه دهد، او نیز در کمال آرامی رگ خود را گشود و جامی شوکران نوشید و طبیبش وی را در حمامی گرم نهاد تا درد و رنج را کمتر حس نماید و می‌گویند: امیر کبیر در حمام فین کاشان می‌گفت: بگذارید همانند لوسیوس خودم رگ خویش را بکشایم.»^۵

د) مجازات اعدام در یونان باستان

یونانیان باستان، قانون را رسمی مقدس می‌دانستند که مورد توجه خدایان است و سرچشمه آن وحی الهی است، قانون جزئی از دین بود، بنابراین همه مجبور به رعایت آن بودند. در این جهت قوانین متعددی وضع شد که یکی از آنها قانون معروف «دراکون» بود. این قانون بسیار سفت و سخت بود و برای اغلب جرایم مجازات اعدام پیش بینی کرده بود؛ به همین جهت معروف بود که «دراکون» قانون را با خون خویش نوشته است. وی «مجلس شورای آتن» را تأسیس نمود و برای همه جرایم، به خصوص جرم قتل، قوانین مشخصی تدوین کرد و کیفرهای شدیدی نیز، به منظور رعایت عدالت و جلوگیری از ظلم و تعدی وضع نمود. قوانین سولون (۶۴۰ - ۵۵۸ ق.م) و لوکورگوس که از قوانین کت گرفته شده بودند نیز در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد در یونان حاکم بود. علاوه بر دراکون و سولون قانونگذاران دیگری مانند، ژالوکوس و خارونداس در این زمان به جمع‌آوری و تنظیم آداب و رسوم و تدوین قوانین

^۵ - زند و کیلی، ستاد، تاریخچه مجازاتها، مهنامه قضایی، ش ۱۳۴، سال ۱۳۵۶، ص ۶۹.